

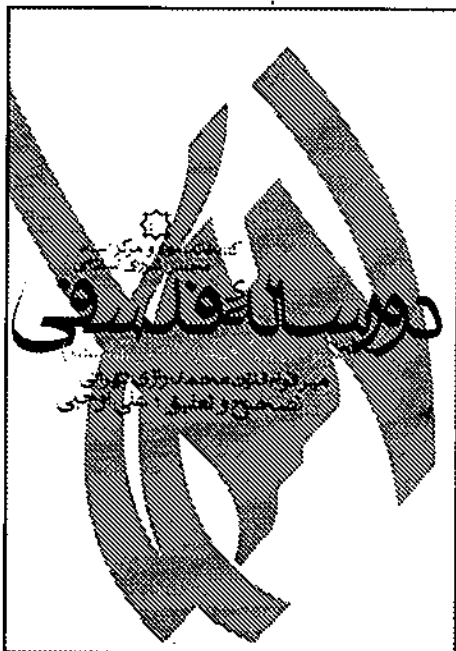
۱۰۹۳ هـ. ق. در گذشت احدی از طلبه چه رسد به فضلا بر جنازه اش حاضر نگردید.» (۳۱۵/۲)
 و بحث در همین قوام‌الدین است که دو تحریر از کتاب *عین‌الحکمة* اش وجود دارد یکی فارسی که در مجموعهٔ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (ج ۲ صص ۴۴۸ - ۴۱۲) به طبع رسید و تحریر عربی که به ضمیمه رسالهٔ فارسی تعلیقات به کوشش علی اوجبی (موزه و کتابخانه مجلس، ۱۳۷۸) منتشر شده است.

اینکه گفته‌اند مولی رجبعلی تبریزی و قوام‌الدین اصفهانی (رازی) عربی نوشتن نمی‌توانستند شاید ناشی از این باشد که این دو حکیم اصرار بر فارسی گفتن و نوشتن داشته‌اند و کسانی که نادانی و ناهمپی، آنان را به دشمنی با زبان مادری انگیزخته این را بر آنها عیب می‌گرفته‌اند و اگر گفته شود عربی نویسی برای آن بود که در سرتاسر دنیای اسلام افکارشان پخش شود باید گفت ملاصدرا را تا قرن ما در دنیای عربی زبان حتی اهل فلسفه هم نمی‌شناختند و حکمای بعد از ملاصدرا به همت هانری کوربن (و کوشش علمی استاد سید جلال آشتیانی) در همین سی سال اخیر معرفی شدند و هنوز هم عربی زبانها حتی نام آنها را نشنیده‌اند. و اگر فلسفه‌نویسی به فارسی ادامه و چیرگی می‌یافت اکنون زبان فلسفی ما به فارسی بسیار قوی‌تر و رساتر و روان‌تر می‌بود و این زبان بزرگی است و خود، مطلب مضحکی است که بوعلی‌سینا را که از همدان به غرب گذشته عرب بنامند یا ترک و از یک بخوانند! به گمان

با آنکه مهارتش را در «علوم تعلیمی» (= ریاضیات) ستوده، می‌نویسد: «به خاطر تیمن به ورع و پارسایی وی ذکرش در این کتاب آمده است» (۱۹۷/۲) درباره سید ابراهیم بن میرزا حسن همدانی مشهور به قاضی‌زاده صاحب شرح برکتب ابن سینا و خواجه نصیر می‌نویسد: «آشنا به مسائل شرعی و اقوال فقها نبود و از خون احتراز نمی‌کرد بلکه مسجد را بدان می‌آلود» (۹/۱) و این سید ابراهیم کسی است که خود صاحب *ریاض العلماء* از قول شیخ بهایی نامهٔ بسیار احترام‌آمیزی خطاب به او نقل کرده است (۱۱/۱) دربارهٔ مولی حسن دیلمانی می‌نویسد: «در علوم حکمی وارد بود اما از علوم دینی بهره‌ای نداشت، دوستار حکیمان و صوفیان و مدافع و توجیه‌گر اقوال ایشان بود و بر همین اعتقاد بمرد در حالی که دماغش مختل شده بود» (۱۸۴/۱) و در مورد حسین بن ابراهیم تنکابنی شاگرد ملاصدرا می‌نویسد: «گرایش غالبش به حکمت بود و غیر از آن چیزی نمی‌دانست.» (۳۶/۲)... در مورد مولی رجبعلی حکیم تبریزی می‌نویسد: «دانشهای دینی و معلومات عربی نداشت اما اقوال علی حده‌ای در مسائل حکمی آورد.» (۲۸۴/۲) و چندتن از شاگردان رجبعلی را اسم می‌برد از جمله امیر قوام‌الدین اصفهانی (رازی) که در تصوف و فلسفه‌گرایی از استادش افراطی‌تر بود و به قول صاحب *ریاض العلماء* باورهای تباه و بیراه داشت و از علوم دینی و ادبی بی‌بهره بود و بعضی از شاگردانش سخنانش را به عربی می‌نوشتند و چون به سالهای

آنچه مشهور است عصر صفوی را عصر رونق علوم دینی و انحطاط ادبیات و فلسفه می‌دانند. اما این از هر دو جهت نادرست است، زیرا ادبیات عصر صفوی ادبیات ویژه‌ای است و در عالم خود بسیار ارزشمند است و فلسفه نیز در عصر صفوی رشد و تکامل یافت و علاوه بر میرداماد و ملاصدرا که دو فرد بسیار شاخص هستند حکیمان صاحب‌نظر و ژرف‌اندیش دیگری نیز پدید آمدند که خوشبختانه استاد جلال آشتیانی در مجلدات چهارگانه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران نام و یاد آنان را ماندگار کرده است و علیرغم خشک‌اندیشان، عصر صفوی را عصر حکمت شناسانیده است.
 نخست برای آنکه نظر قشریون به فلسفه و فیلسوفان در عصر صفوی روشن شود به نکاتی از *ریاض العلماء* میرزا عبدالله افندی - شاگرد مجلسی دوم - که سالها پیش در مجله نشر دانش نوشته‌ایم اشاره می‌کنیم: میرزا عبدالله در مورد امیرزا حکیم یزدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



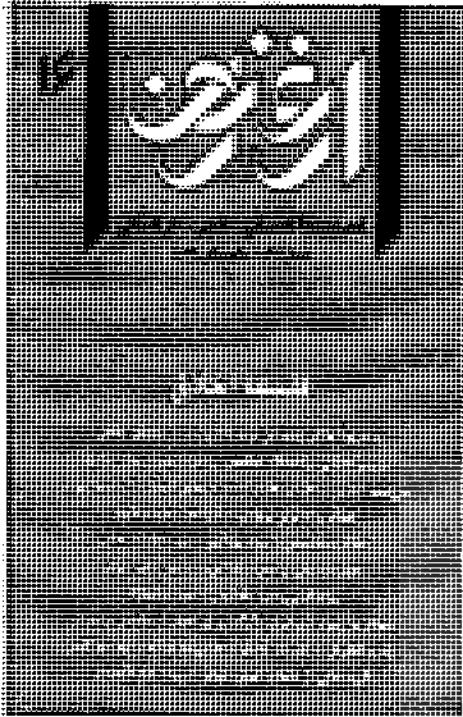
دورسالهٔ فلسفی عین‌الحکمه و تعلیقات

میر قوام‌الدین رازی

تصحیح و تعلیق: علی اوجبی

کتابخانه و موزه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول: ۱۳۷۸

ارغنون ویژه فلسفه اخلاق



۶- انکار وجود ذهنی: علم عقل به موجودات نه به حصول صورت موجودات است در عقل، و نه نفس حضور است، و نه صورت حاصله و نه به حضور موجودات نزد عقل... (تعلیقات ص ۱۶۱).

۷- انکار حرکت جوهریه: به طوری که خواننده توجه دارد در غالب مسائل فلسفی، مکتب رجبعلی تبریزی با مکتب ملاصدرا تعارض دارد.

۸- متعلق جعل ماهیت است نه وجود و نه اتصاف ماهیت به وجود. جعل اولاً به ماهیت و ثانیاً بالعرض به وجود نسبت داده می‌شود.

۹- ترکیب وجود و ماهیت در خارج انضمامی است یعنی وجود عارض ماهیت شده است و وجود در خارج تابع ماهیت است.

۱۰- خدا موضوع علم ماوراءالطبیعه نیست.

۱۱- خدا را واجب الوجود نامیدن جایز نیست بلکه مبدعات و زمان به قول حکما واجب الوجودند و تسمیه خدا به واجب الوجود کار متفلسفه متأخر است «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذروا الذین یلحدون فی اسمائه» [سوره اعراف آیه ۱۸۰]

۱۲- کلی تا اقلأ یک مصداق خارج نداشته باشد کلی نیست. (تلخیص از صفحات هجده تا بیست و نه مقدمه مصحح)

علاقه‌مندان فلسفه ایرانی اسلامی را به ملاحظه متن کتاب توصیه می‌کنیم و توفیق ناشر و مصحح را خواهانیم.

من ما هر قدر از کتب فلسفی و کلامی و عرفانی قدیم مان به فارسی پیدا کنیم باید چاپ و منتشر سازیم که خصوصاً از لحاظ دستیابی به گنجینه مفردات فلسفی و رسیدن به یک زبان منسجم و پخته و اصیل در بیان مسائل حکمی موثر خواهد بود. به قوام‌الدین اصفهانی (رازی) برگردیم:

از جمله نکات مهم در دیدگاه‌های مکتب رجبعلی تبریزی که قوام‌الدین شاگرد او نیز همان عقاید را دارد فقرات زیر است که مصحح کتاب با استفاده از منابع پیشگفته و نیز کتاب فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی هانری کوربن استخراج و تنظیم کرده است آرایه می‌نماید:

۱- فلسفه عبارت است از علم به شیئی است بما هوشیئی.

۲- ماهیت اصیل است نه وجود (البته محمد رفیع پیرزاده در المعارف الالهیه اعتباریت وجود را از قول رجبعلی رد می‌کند، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران ج ۲ ص ۴۶۷).

۳- وجود مشترک لفظی است نه مشترک معنوی یعنی مبدأ اول موجود به وجود ممکن نیست (تعلیقات ۷-۱۴۶).

۴- وجود کلی مشکک نیست.

۵- ماهیت نیز مشکک نیست آنچه هست بعضی محمولات عرضی می‌توانند مقول به تشکیک باشند به سبب اختلاف استعداد موضوعات (تعلیقات ۱۵۳).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

شانزدهمین شماره ارغنون ویژه «فلسفه اخلاق» منتشر شد. مقاله‌های این شماره از فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی ارغنون در دو دسته تقسیم شده‌اند: دسته اول که هشت مقاله نخست را شامل است، عموماً از منظر «تحلیلی» به بحث از «اخلاق» می‌پردازد و برخی مسایل منطقی گزاره‌های اخلاقی را، ذیل عنوان «فرا اخلاق» بررسی می‌کند.

دسته دوم که مشتمل بر باقی مقاله‌هاست از دیدگاه‌های دیگر به طرح برخی مهمترین مسایل و مباحث نظری اخلاقی اختصاص دارد.

در اینجا به نمونه‌ای چند از مطالب این فصلنامه اشاره می‌شود:

«به سوی اخلاق پایان این قرن: پاره‌ای از گرایش‌ها؛ آداروال، آ. گیبارد، پ. ریلتن / مصطفی ملکیان»؛ «هویت اخلاقی و استقلال شخصی، ریچارد رورتی / یوسف اباذری»؛ «سرچشمه ارزش از نظر ارسطو و کانت، کریستین کرسگارد / محسن جوادی»؛ «گفتگو با امانوئل لویتاس، فیلیپ نمو / مراد فرهادپور»؛ «اخلاق مسأله محور، ادموند پینکافس / سیدحمیدرضا حسنی»؛ «معنای توصیفی و اصول اخلاقی، ر. م. هیر / امیردیوانی»؛ «پيامدگرایی، دیوید مکناوتون / سعید عدالت نژاد»؛ «اخلاق در جهان دستخوش دگرگونی، یل تیلیش / سیدعلی مرتضویان»؛ «الزام و انگیزش در فلسفه اخلاق متأخر، ویلیام فرنکنا / سیدامیر اکرمی»؛ «گزیده‌هایی از اخلاق صغیر، تندور آدورنو / هاله لاجوردی» و مقالاتی دیگر از این دست.

علیرضا نکاوتی قراقرلو

دو رساله فلسفی...

دریک نگاه

کتاب ماه ادبیات و فلسفه / شهریور ۱۳۷۹